جلب مشارکت در عین حفظ اقتدار نظام

مردم سالاری دینی سازوکار بدیعی است که ج.ا .ا برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود ابداع نموده است. در گذشته برخی نظریه پردازان عرصه سیاست چنان وانمود می کردند که گویا امکان جمع بین « دین » و « مردم سالاری» وجود ندارد، اما شهید مطهری جمع بین این دو را تبیین نموده است؛ آنجا که می گوید: « جمهوریت ظرفی است که در آن اسلامیت نهاده شده است »

طبعا مشارکت مردم در این سازوکار رکن اساسی است به این معنا که هر چه میزان مشارکت مردم بیشتر باشد درجه مقبولیت نظام هم افزایش یافته و مردم بیشتر و عمیق تر نسبت به تحولات کشور خویش احساس مسئولیت و مشارکت نموده و در مواقع نیاز با حضور خود در جهت رفع مشکل اقدام می نمایند.

نکته مهم در جلب مشارکت حداکثری مردم درک و پابندی به الزامات چنین امری است.

در جامعه متکثر ایران که اقوام، اقشار، نگرش های متفاوت و دیدگاه های بعضا متعارض سیاسی وجود دارد، تامین الزامات جلب مشارکت حداکثری تا حدی مشکل به نظر می آید، اما درک صحیح از ضرورت و اهمیت مشارکت گسترده مردم در انتخابات کشور حل مشکلات این امر را آسان می نماید.

یکی از الزامات اولیه این امر ترکیب نامزدهای حاضر در صحنه رقابت است، به گونه ای که قاطبه مردم احساس کنند نماینده ای در جمع نامزدهای حاضر در عرصه انتخابات دارند، از این رو می باید چتر تایید صلاحیت ها به گونه ای باشد که امر فوق را در منظر عامه مردم عینی و واقعی جلوه دهد.

در همین امر پارادوکس هایی وجود دارد، چرا که با توجه به راهبرد دشمن مبنی بر نفوذ در ارکان حاکمیت از مسیر انتخابات، اجازه تساهل در این امر را نمی دهد، لذا باید دستگاه های اطلاعاتی کشور و مراجع ذی صلاح با در نظرداشتن اهمیت دو موضوع فوق صلاحیت ها را بررسی نمایند و اگر می توان با اخذ تضمین های لازم نامزدهایی را که در مظان حرکت در مسیری غیر از تراز انقلاب هستند، برای تامین الزام اول اقدام و صلاحیت آنها را تایید نمود.

نکته مهم دوم آن است که همین انتخاباتی که قرار است مقبولیت نظام را به رخ جهانیان بکشد و باعث افزایش سرمایه اجتماعی نظام شود به تعبیر رهبر معظم انقلاب میتواند چالش برانگیز هم باشد. حوادثی از نوع خرداد ۱۳۸۸موید همین امر است.

از اینجاست که دغدغه مهم این بخش خودنمایی می کند و آن اینکه برای حفظ اقتدار نظام در عین پایبندی به نظام مردم سالاری دینی چه باید کرد؟

چگونه می توان نگاه حاکمیتی و توجه به الزامات این نگاه را به افرادی که وارد عرصه رقابتهای انتخاباتی می شوند منتقل نمود؟

یکی از اشکالاتی که در زمان تبلیغات و عرضه برنامه ها و شعارهای نامزدهای انتخاباتی رخ می نماید، اولویت و ترجیح دهی منافع فردی و گروهی از سوی بسیاری از نامزدهای بر منافع ملی است. به عبارت دیگر نامزدهای انتخاباتی به تبعات امنیتی و سیاسی وعده ها، سخنان، شعارها و تخریب هایی که علیه رقبای خود می نمایند

واقف نیستند و درک صحیحی از پیامدهای رفتار خود در مقطع تبلیغات ندارند و یا تعهدی در خود نسبت به حفظ امنیت و منافع ملی احساس نمی کنند.
در این خصوص مواضع مسئولان قضایی در گذشته که هشدارهایی در این موارد می دادند هم بازدارندگی لازم را نداشته و ندارد و مهمترین دلیل آن هم بی پشتوانه بودن آن هشدارها بوده است و تقریبا همه نامزدها مطمئن شده‌اند که در ایام انتخابات کسی از آنها نسبت به گفتار و رفتاری که بروز می دهند، بازخواست نخواهد کرد.
از این رو پیشنهاد می شود طرحی تدوین گردد که بر مبنای آن دستگاههای مربوطه قبل ورود افراد به عرصه رقابتهای انتخاباتی (عمدتا انتخابات مجلس شورای اسلامی) به صورت مکتوب یا حضوری ضمن ارائه اطلاعات، آیین نامه ها و هشدارهای لازم، تضمین های لازم را برای رعایت موارد فوق از آنها کسب نمایند و درصورت تخلف، بدون ملاحظه با آنها برخورد قضایی شود، اعم از اینکه در مجلس انتخاب شوند یا خیر. در این صورت است که در ادوار بعدی نامزدهای عرصه فوق، خود را ملزم به رعایت مصالح کشور و اقتدار نظام خواهند دید.
در همین زمینه باید ترتیباتی در مجلس دیده شود که اعتبار نامه افرادی که در زمان تبلیغات خود، منافع یا امنیت جامعه را به خطر انداختند رد شود.
البته حفظ اقتدار نظام و امنیت جامعه با توجه موضوع، نیازمند اقدامات عاجل تری نسبت به رد اعتبارنامه و امثالهم دارد، به این معنا که باید سازوکاری طراحی شود که هر نامزدی در حین تبلیغات که باعث ایجاد ناامنی می شود و یا زمینه سازی اغتشاش و ناامنی را می نماید در هر مرحله از فرآیند انتخابات با او برخورد شود. پر واضح است که چنین برخوردی نیازمند فرهنگ سازی و آماده سازی افکار عمومی برای انجام آن است. لذا پیشنهاد می شود از هم اکنون در برنامه های تلویزیونی به تدریج آگاهی های لازم در موضوعات مورد اشاره در قالب برنامه های مستند، کلیپ، گفتگوهای کارشناسان و غیره ارائه گردد.
موضوع دیگری که نباید از آن غفلت کرد مجریان و ناظران هستند. نمیتوان این واقعیت را انکار کرد که تلقی افکار عمومی جامعه از مجریان و ناظران، انتساب آنان به برخی جریانات سیاسی حاضر در سپهر سیاسی کشور است. هر چند نظام تاکنون بارها ثابت کرده که هر جناحی در قدرت بوده اجازه خیانت به رای مردم را نداده است، اما بعضا اظهار نظرها و موضع گیری های برخی از مسئولان اجرایی یا نظارت، مساله ساز شده است.
بر همین مبنا به این دو مجموعه هم باید هشدارهای لازم داده شود، طبعا سازوکار هشدار به مجریان و ناظران متفاوت از هشدار به نامزدها خواهد بود. این هشدارها میتواند از سوی دفتر رهبری و یا از طرف س. ک . ن. م به عنوان حافظ امنیت کشور به آنان با رعایت ملاحظات داده شود.
صدا و سیما مجموعه مهم دیگری است که نوع هدف گذاری آن در زمان انتخابات بسیار تعیین کننده حفظ اقتدار یا کاهش امنیت جامعه خواهد بود. بعضا مشاهده شده که هدف گذاری آن سازمان صرفا جلب مشارکت حداکثری بوده است، لذا ناخواسته فضا را برای شکل گیری چالشها و منازعات انتخاباتی ملتهب کرده است. در جلسات کمیته امنیت انتخابات نباید صرفا به حضور رئیس این دستگاه در جلسات کمیته اکتفا کرد بلکه بخشهای مرتبط این سازمان با موضوع انتخابات باید دائما رصد شوند و درصورت لزوم رویه آنها در زمانهای مختلف فرایند انتخابات اصلاح گردد.